یادداشت

مذاکرات احیای برجام؛ نبرد شرق و غرب

جعفر قنادباشی
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

با وجود برخی رویکردها و مسائلی که از جانب رسانه‌های غربی در خصوص اخلال در احیای برجام یا نرسیدن به توافق مطرح می‌شود نباید تحت تاثیر اظهارات و موضع گیری‌های آنها قرار بگیریم که در واقع نوعی شانتاژ سیاسی و تبلیغاتی است. شاید دشوارترین مذاکرات برای دنیای غرب در طول دوران ۲۰۰ سال اخیر مذاکرات با ایران باشد و شاید خطیرترین موضعگیری در برابر غرب در ایران؛ اتخاذ مواضع کنونی ایران در برابر غرب است. لذا واقعا یک نبرد اراده و یک مصاف سیاسی، تبلیغاتی و اقتصادی چهل و سه ساله است که باید بدان دقت کنیم هیچگاه نباید این مذاکرات را مذاکره یک کشور با کشوری دیگر یا یک کشور با مجموعه اتحادیه اروپا بدانیم. بلکه باید بدانیم که یک تمدن در آستانه احیای خود با دنیای استعماری که خواستار فروپاشی این تمدن بوده و مخالف آن بوده یک نبرد دیگری را به سر انجام می‌رساند. لذا به جای مذاکره شاهد نبرد اراده‌ها و استقامت‌ها است که کشمکش‌های این چهل و چند ساله را تعیین می‌کند. به همین جهت رسانه‌ها نیز باید جایگاه واقعی این مذاکرات را در کل جهان تبیین و منعکس کنند که چه اتفاقاتی می‌افتد. چه معنایی دارد و در پشت پرده چه مسائلی در حال رخ دادن است. برخی متأسفانه ماجرا را مذاکره بین دو کشور تلقی می‌کنند در حالی که اصلا اینگونه نیست و همه ارکان تمدنی غرب در مقابل شرق قرار گرفته و اگر در اینجا یک مذاکره و توافق فروبیاشند کار آنها تمام است. یعنی می‌توان گفت شاهد جان کندن دنیای غرب در این مساله هستیم که بخواهند موافقت کنند. لذا راهبرد درست ایران این است که امیدی به گشایش‌های اقتصادی از مسیر احیای برجام نبسته و تکلیف بر این است که ایستادگی کنیم. به هر تقدیر این مساله طبیعی است که غربی‌ها بخواهند نهایت توان خود را به کار بگیرند و برای رسیدن به توافقی که مطلوب نظرشان است حتی تحریم‌های جدیدی را هم برای تحت تاثیر قرار دادن مذاکرات بر ایران تحمیل کنند. ایران در این نبرد سرنوشت همه ملت‌های منطقه را نمایندگی می‌کند و اگر ایران پیروز شود شرق جغرافیایی به پیروزی رسیده است. همان تمدنی که برای احیای فرهنگ غربی با محوریت یونان فیلم سیصد را می‌سازد و ایرانی‌ها و شرقی‌ها را وحشی نشان می‌دهد از سوی آمریکا، انگلیس و فرانسه نمایندگی می‌شود و دوست دارد که در این نبرد پیروز شود. چنانکه چند سال اینران را در شدیدترین محاصره اقتصادی جهان در طول تاریخ قرار دادند. لذا مقاومت ملت ایران در برابر غربی‌ها و تحریم‌ها مهم‌ترین تجلی انسانی است که نمی‌خواهد ذلت را بپذیرد.

دریچه

امیررضا واعظ آشتیانی:

روحانی و حامیانش باری بازیابی جایگاه خود زود شروع کردند

یک فعال سیاسی اصولگرا با اشاره به اینکه روحانی و حامیانش دنبال احیای خود هستند اظهار داشت: به نظر من به نتیجه مورد نظر خود نخواهند رسید چون مردم خاطره خوبی از عملکرد آنها ندارند. امیررضا واعظ آشتیانی گفت: به نظر من این طیف خیلی زود وارد این فرایند که بخواهند خودشان را بازسازی کنند، شدند. وی تاکید کرد: «هیچ عملکرد توام با ناکارآمدی به این زودی مورد بازسازی قرار نمی‌گیرد. باید اجازه بدهند که زمان بگذرد و بعد شروع به بازسازی کنند. ضمن اینکه این طیف هر هنری داشتند در دولت یازدهم و دوازدهم از خود نشان دادند لذا سوال اینجا است که می‌خواهند چه نویدی را به مردم بدهند و از چه سازوکاری استفاده کنند که بتوانند خودشان را بازسازی و رفتارهای گذشته خود را جبران کنند؟» به نظر من عملکرد فعلی آنها مدبرانه نیست و باید اجازه می‌دادند که زمان بیشتر بگذرد و بعد با نگاه و استراتژی جدید جلو می‌آمدند نه اینکه با همان نگاه و استراتژی قبلی وارد شوند و بخواهند خود را بازسازی کنند. چنین چیزی اصلا امکان پذیر نیست. به خصوص که دولت یازدهم و دوازدهم در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد به اندازه کافی مشکلات را برای مردم و نظام مضاعف کرده بود لذا به این راحتی نمی‌توانند مردم را متقاعد کنند که به آنان اعتماد کنند. اگر چه که اختیار با خودشان است اما این اظهارنظر ما از این بابت است که شاید این زود شروع کردن به زناشئن تمام شود. این فعال سیاسی اصولگرا در پاسخ به اینکه اگر بیشتر صبر کنند چه چیزی تغییر خواهد کرد؟ مردم عملکردشان را فراموش می‌کنند یا ناکافی دولت فعلی به آنها یاری می‌دهد؟ بیان کرد: یک مسالهای که در حوزه فعالیت سیاسی احزاب و گروه‌ها در کشور ما وجود دارد این است که متأسفانه از هر جریانی از موفقیت جریان رقیب خود ناخرسند می‌شود. این رفتاری غیرمنصفانه است که با نگاه وطن پرستانه همراه نیست. برعکس هم شاهدیم که اگر شرایط برعکس باشد، جریان رقیب از خوشی دو آوازه می‌شود. این نگاه نادرست نشان می‌دهد که گروه‌ها بیش از موفقیت کشور به مسائل، نگاه جناحی دارد. این البته نقطه ضعفی است که باید تغییر کند. وی تصریح کرد: به نظر من روحانی و حامیانش نیز بر اساس همین نگاه تصور کردهاند که چون الان در زمینه احیای برجام تاخیری ایجاد شده است –اگرچه این تاخیر به‌خاطر رویکرد امریکایی‌هاست – دولت نمی‌تواند در این باره موفق باشد لذا به پیشواز آمده‌اند که بگویند ما هم می‌توانستیم کاری کنیم اما به دلایلی نشد. یا مثلا تصمیمات اشتباهی که در حوزه اقتصاد داشتند و آثارش را شاهد هستیم، به دولت فعلی منتسب می‌کنند. باور اینها آن است که مردم شرایط فعلی را می‌بینند و تلاش می‌کنند که بر موج قضاوت مردم از این شرایط سوار شوند. غافل از اینکه وضعیت فعلی نتیجه تصمیمات خود اینها در گذشته است. قصدشان این است که اینده‌ای که خودشان رقم زدند را به دولت فعلی منتسب کنند. به همین خاطر هم زود شروع کرده‌اند. به باور من اما دولت سیزدهم می‌تواند شرایط اقتصادی را از وضع موجود متعادل تر کند و همچنین تخریب‌ها و تصمیمات گذشته را خنثی کند.

حسن رسولی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اصولگرایان در موضع دفاعی قرار گرفته‌اند

- تئوری هرس و استراتژی حذف، توانایی مدیریت کشور را کاهش داده است
- در زمینه سیاست خارجی با بلاتکلیفی و سرگردانی مواجه هستیم
- استراتژی حذف سیاسی اصولگرایان را به اهداف خود نرسانده است
- رئیس‌جمهور درباره محتوای مذاکرات برجام به مردم گزارش بدهد
- اصولگرایان در موضوع برجام براساس منافع ملی عمل نکرده‌اند
- اگر برجام در دولت روحانی به نتیجه می‌رسید منافع ملی ما بیشتر تأمین می‌شد

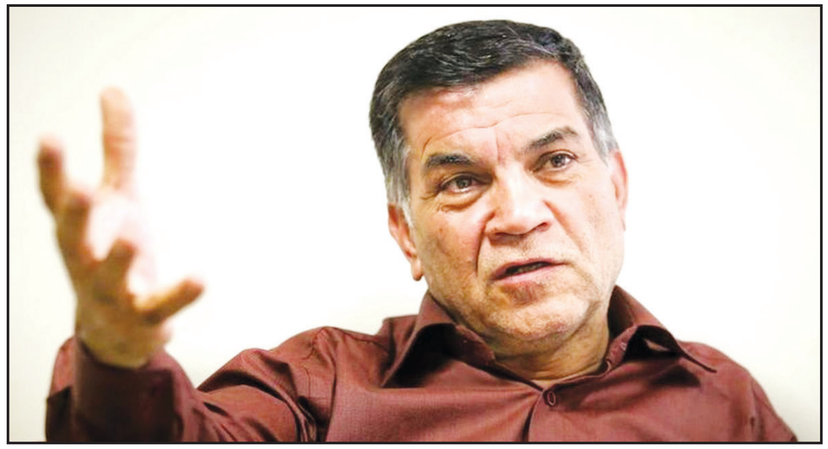

آرمان ملی - احسان انصاری: اصولگرایان چگونه می‌توانند با رویکردی که درباره حذف رقبای سیاسی خود در پیش گرفته‌اند سرمایه اجتماعی خود را افزایش بدهند؟ آیا عملکرد آنها به شکلی بوده که بتوان با اتکا به آن سرمایه اجتماعی این جریان را افزایش داد؟ این سوالات مهم‌ترین موضوعات محوری گفت‌وگوی «آرمان ملی» با حسن رسولی استاندار در دولت اصلاحات و عضو سابق شورای شهر تهران بوده است. رسولی در این زمینه معتقد است: «اصولگرایان از ابتدا و به خصوص در سال‌های اخیر گمان می‌کردند با تخریب و توهین به رقیب و حذف بزرگان در حوزه شخصیت‌های سیاسی مانند مرحوم هاشمی، رئیس دولت اصلاحات و حتی شخصیت‌های معتدل جریان اصولگرایی مانند ناطق نوری و لاریجانی و استراتژی حذف می‌تواند به اهداف خود دست پیدا کند. این در حالی است که استراتژی حذف برای اصولگرایان سودی نداشته و بلکه وضعیت موجود نتیجه هرس سیاسی است. هنگامی که جریان حاکم دست به هرس سیاسی می‌زند بسیاری از نخبگان و دلسوزان خانه نشین می‌شوند و به همین دلیل توانایی مدیریتی کشور برای حل مشکلات کاهش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی که با تخریب‌ها و توهین به رقیب و حذف بزرگان در حوزه شخصیت‌های سیاسی مانند مرحوم هاشمی، رئیس دولت اصلاحات و حتی شخصیت‌های معتدل جریان اصولگرایی مانند ناطق نوری و لاریجانی و استراتژی حذف می‌تواند به اهداف خود دست پیدا کند. این در حالی است که استراتژی حذف برای اصولگرایان سودی نداشته و بلکه وضعیت موجود نتیجه هرس سیاسی است. هنگامی که جریان حاکم دست به هرس سیاسی می‌زند بسیاری از نخبگان و دلسوزان خانه نشین می‌شوند و به همین دلیل توانایی مدیریتی کشور برای حل مشکلات کاهش پیدا می‌کند.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اصولگرایان با توجه به عملکردی که در دولت و مجلس داشته‌اند در چه وضعیتی از نظر اقبال اجتماعی قرار دارند؟ آیا آنها توانسته‌اند با تحقق وعده‌هایی که به مردم داده‌اند سرمایه اجتماعی خود را از قبل بدهند؟

سرمایه اجتماعی به معنای ارتباط دو طرفه بین مردم و حاکمیت سیاسی است. به همین دلیل اندازه گیری این شاخص بسیار مهم در مقبولیت نظام سیاسی در هر کشوری و از جمله در ایران تحت تأثیر کارآمدی و توانایی نظام سیاسی در حل مشکلات کشور و مردم است. در این زمینه نحوه تأمین مطالبات عمومی جامعه نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. اتفاقی که در دولت آقای رئیسی و حتی آقای روحانی رخ داد این است که برخی کارآمدی نظام سیاسی را به یک قوه یعنی قوه مجریه تقلیل دادند. بدون تردید این رویکرد ما را در تحلیل و بررسی واقعیت‌های جامعه دچار مشکل می‌کند. برخی اصولگرایان در دوران دولت آقای روحانی و به خصوص در دولت دوم ایشان مبنای کار خود را تخریب وجهه دولت و کارشکنی در اجرای سیاست‌های دولت قرار داده بودند. در مقاطع زیادی کار حتی از تخریب نیز می‌گذشت و به توهین به دولت و یا دولتمردان می‌رسید. با این وجود در شرایط کنونی اصولگرایان که قدرت در اختیار دارند و به شکل‌های مختلف تلاش می‌کنند از ثمرات این راهبرد اشتباه استفاده کنند. این وضعیت در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز به صورت حقوق رقبا وجود داشت و ما شاهد بودیم در شرایطی که اکثریت چهره‌های اصلاح‌طلب و معتدل رد صلاحیت شدند و اجازه حضور در انتخابات را پیدا نکردند گزینه اصولگرایان در نهایت در انتخابات به پیروزی دست پیدا کرد. اگر به آرای انتخابات ریاست‌جمهوری دقت کنیم متوجه می‌شویم که میزان آرا نسبت به دوره‌های قبل کمتر بوده است. در نتیجه دولت منتسب به جریان اصولگرایی در چنین وضعیتی از نظر پایگاه اجتماعی شکل گرفته است. اصولگرایان در یک سال گذشته دستگاه اجرایی کشور را در اختیار گرفته‌اند و قبل از آن نیز اکثریت مجلس را به دست گرفته بودند. با این وجود از نظر حل مشکلات مردم کارنامه قابل قبولی ندارند و به همین دلیل امروز در موضع دفاعی قرار گرفته‌اند. در شرایط کنونی فضای سیاسی و در برخی حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نگاه جریان حاکم محدودتر شده است. این وضعیت در حوزه سیاست خارجی که امروز یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم کشور است، ما با نوعی بلاتکلیفی و سرگردانی مواجه هستیم.

> موضوع مهمی که کارآمدی و توانایی مدیریتی کشور را کاهش داده استفاده از تئوری هرس و استراتژی حذف بوده که بسیاری از افراد باتجربه و متعهد جامعه را حاشیه نشین کرده است. کسانی که اگر امروز در عرصه مدیریت کشور حضور داشتند می‌توانستند منشأ خدمات زیادی شوند و در راستای کاهش مشکلات مردم حرکت کنند

براساس شاخص‌هایی که بانک مرکزی و مرکز آمار در حوزه گرانی کالاهای مورد نیاز مردم منتشر کرده‌اند سیاست‌هایی که دولت در زمینه اقتصادی در پیش گرفته نتیجه بخش نبوده و به نظر می‌رسد از مبنای علمی و منطقی برخوردار نیست.

مهم‌ترین چالش‌های درونی جریان اصولگرایی را در شرایط کنونی چه می‌دانید؟

اصولگرایان از ابتدا و به خصوص در سال‌های اخیر گمان می‌کردند با تخریب و توهین به رقیب و حذف بزرگان در حوزه شخصیت‌های سیاسی مانند مرحوم هاشمی، سید محمد خاتمی و حتی شخصیت‌های معتدل جریان اصولگرایی مانند ناطق نوری و لاریجانی و استراتژی حذف می‌تواند به اهداف خود دست پیدا کند. این در حالی است که استراتژی حذف برای اصولگرایان سودی نداشته و بلکه وضعیت موجود نتیجه هرس سیاسی است. هنگامی که جریان حاکم دست به هرس سیاسی می‌زند بسیاری از نخبگان و دلسوزان خانه نشین می‌شوند و به همین دلیل توانایی مدیریتی کشور برای اداره کارآمد ایران بزرگ است. تئوری هرس و راهبرد حذف نه تنها در عمل و براساس شاخص‌های رسمی کشور جریان حاکم را به اهداف خود نرسانده است و بلکه موجب کوچک شدن پنبه و توانایی مدیریت کشور شده است. اگر امروز ۵۰ نفر از مدیریت کشور را با ۵۰ نفر از مدیریت ایران در ۱۰ سال یا ۱۵ سال گذشته مقایسه کنید متوجه می‌شوید که توانایی مدیریت کشور در شرایط کنونی نسبت به گذشته کاهش داشته است. بر اثر این اعمال سیاست و حذف رقبای سیاسی روز به روز توانایی کسانی که در حوزه مدیریت کشور حضور دارند کاهش پیدا کرده است. این وضعیت کاملا مشهود است. اگر مدیرانی که امروز در دولت حضور دارند به‌رغم اینکه از حمایت‌های همه نهادهای قدرت برخوردار هستند را با مدیران دولت‌های گذشته مقایسه کنیم متوجه ضعف‌ها و نقصان‌های قابل توجهی در این زمینه خواهیم شد.

آیا مدیریت کشور این ضعف‌ها و نقصان‌ها را درک کرده است؟

واقعیت این است که از زمانی که اصولگرایان قدرت را به دست گرفته‌اند نه در هیچ شهری حتی یک شهر کوچک علیه دولت کفن پوشیده شده و نه کسی توافق برجام را تنش زده است. هیچ کدام از این مخالفت‌ها علیه دولت صورت نگرفته در حالی که در دولت گذشته ما با بحران‌ها و چالش‌های زیادی در این زمینه مواجه بودیم. موضوع مهمی که رقبای سیاسی در برخی حوزه‌های فرهنگی و کاهش داده استفاده از تئوری هرس و استراتژی حذف بوده که بسیاری از افراد باتجربه و متعهد جامعه را حاشیه نشین کرده است. کسانی که اگر امروز در عرصه مدیریت کشور حضور داشتند می‌توانستند منشأ خدمات زیادی شوند و در راستای کاهش مشکلات مردم حرکت کنند. دولت در برخی زمینه‌ها ضعف‌ها و نقصان‌ها را درک وتلاش کرده تغییراتی در این زمینه صورت بگیرد. با این وجود هنوز بخش‌های مهمی از تصمیم گیری کشور از کارآمدی برخوردار نیستند و شرایط نیز به شکلی نیست که بتوان با این مدیران از چالش‌های کنونی کشور عبور کرد.

> از زمانی که اصولگرایان قدرت را در اختیار گرفته‌اند و از تئوری حذف و هرس سیاسی استفاده می‌کنند پرونده هسته‌ای ایران بیش از آنکه تحت تأثیر منافع ملی قرار داشته باشد و از رقابت‌های جریانی دور باشد بیشتر تحت تأثیر رقابت‌های جریانی و به خصوص حسادت‌ها و دشمنی‌های شخصی و گروهی قرار گرفته است

دولت عنوان می‌کند که اقتصاد کشور را به برجام گره نخواهد زد. با این وجود و به رغم اینکه برجام می‌توانست در دولت حسن روحانی به نتیجه برسد تا این دولت از مواهب آن بهره ببرد اما این اتفاق رخ نداد و رویکردی که دولت سیزدهم در برابر برجام در پیش گرفته نیز مذاکرات را فرسایشی کرده و به همین دلیل آینده برجام در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. در چنین شرایطی که وضعیت برجام مشخص نیست دولت چگونه می‌تواند از چالش‌های کشور و به خصوص چالش‌های اقتصادی عبور کند؟

یکی از الزامات و بایسته‌های جوامع توسعه یافته و نظام‌های سیاسی کارآمد رعایت اصل اولویت بندی و طبقه بندی چالش‌های پیش روی کشور است. بدون تردید موضوع برجام و مذاکرات هسته‌ای پس از قطعنامه ۵۹۸ یکی از مهم‌ترین پرونده‌های حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی ایران است. در کشورهای توسعه یافته حکومت‌ها برای تأمین امنیت ملی برنامه‌های استراتژیک ۱۰ ساله، ۱۵ ساله و ۲۰ ساله طراحی می‌کنند. به همین دلیل جابه جایی دولت‌ها در این کشورها تأثیری در پیگیری و اجرای این برنامه‌ها ندارد. در چنین جوامعی با ساختارهای تصمیم گیری کارآمد حوزه سیاست خارجی و به ویژه آن بخش از سیاست خارجی که با امنیت ملی کشور ارتباط دارد تأثیری از مناسبات داخلی کشورها نمی‌پذیرد. به همین دلیل نیز تغییر رویدادی دولت در کشورهای توسعه یافته بیشتر تأثیر خود را در سیاست داخلی و اجتماعی می‌گذارد. به عنوان مثال هنگامی که در انگلیس حزب محافظه کار یا حزب کار قدرت را به دست می‌گیرند در استراتژی‌های امنیت ملی انگلیس تغییری ایجاد نمی‌کنند. با این وجود احزاب با توجه به روش‌ها و مشی که دارند در حوزه اجتماعی و سیاسی رفتار می‌کنند. متأسفانه من باید عنوان کنم از زمانی که اصولگرایان قدرت را در اختیار گرفته‌اند و از تئوری حذف و هرس سیاسی استفاده می‌کنند پرونده هسته‌ای ایران بیش از آنکه تحت تأثیر منافع ملی قرار داشته باشد و از رقابت‌های جریانی دور باشد بیشتر تحت تأثیر رقابت‌های جریانی و گروهی قرار گرفته است. بدون تردید اگر برجام در ماه‌های پایانی دولت به نتیجه می‌رسید بیشتر از امروز می‌توانست امنیت و منافع ملی ما را تأمین کند.

چرا رویکردی که اصولگرایان در مورد برجام در پیش گرفته‌اند نتوانسته منافع ملی را تأمین کند؟

برخلاف آقای ظریف مردان دیپلماتیک دولت سیزدهم اطلاعات لازم را از جنبه‌های مختلف این پرونده مهم ارائه نمی‌کنند. این در حالی است که نمایندگان کشورهای اروپایی در مذاکرات و همچنین نماینده روسیه در مذاکرات اطلاع‌رسانی‌های بیشتری درباره این پرونده انجام می‌دهند. آقای ظریف از دیپلماسی عمومی بیشترین بهره را برای تقویت دیپلماسی رسمی کشور می‌گرفت و در این زمینه رویکرد صحیحی در پیش گرفته بود. در شرایط کنونی به دلیل عدم اطلاع‌رسانی کافی توسط تیم مذاکره کننده نه تنها افکار عمومی جامعه و بلکه نخبگان و صاحب نظران نیز از جزئیات تصمیماتی که در زمینه پرونده هسته‌ای گرفته می‌شود بی‌اطلاع هستند. بنده به عنوان کسی که به منافع ملی کشور علاقه دارم امیدوارم رویکردی که دولت رئیسی در زمینه مذاکرات در پیش گرفته در نهایت بیشترین سود را برای منافع ملی کشور به‌همراه داشته باشد. اگر ما فرض بگیریم که تئوری حذف که اصولگرایان در پیش گرفته‌اند تئوری و روشی صحیح بوده است. در چنین شرایطی یکی از مهم‌ترین مطالبات از حاکمیت یکدست این است که گرانی‌ها کاهش پیدا کند، تحریم‌ها کاهش پیدا کند و مصالح و منافع ملی کشور تأمین شود. ما بی‌صبرانه منتظریم که رئیس‌جمهور و یا یکی از مقام‌های مسئول در پرونده هسته‌ای گزارشی مبسوط از دلایل ناکامی‌های مذاکرات هسته‌ای تاکنون و محتوای مذاکرات و اختلافات فی مابین به ملت ایران ارائه کند. در شرایط کنونی تحولات منطقه‌ای و جهانی به صورت پرشتاب و زودگذر است و به همین دلیل این احتمال وجود دارد که فرصت‌های پیش رو ملت ایران با توجه به این تحولات از بین بروند.

محمود صادقی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

روحانی به‌خاطر یک دستمال قیصریه را به آتش نکشید

- ارز ۴۲۰۰ نبود، اقتصاد ایران ونزوئلایی می‌شد
- کفگیر دولت به ته دیگ خورده است
- بخشی از رانت ارز ۴۲۰۰ تومانی به جیب مردم می‌رفت
- «بدون دود و آتش و خون» اقدامات دولت روحانی در مقابله به تروریسم اقتصادی آمریکاست

آرمان ملی - احسان اسقایی: کتاب «بدون دود آتش و خون» روایت اقدامات روحانی و مردان دولت او در سال‌های بعد از تحریم ترامپ است. تحریم‌های سنگینی که ترامپ به اروپایی‌ها وعده داده بود ظرف کمتر از چند ماه موجب در هم شکستن ایران خواهد شد. دولت روحانی در آن زمان به سلسله اقداماتی دست زد تا بتواند در برابر تروریسم اقتصادی آمریکا که اگرچه موجب جهش تورم از حدود ۸ درصد به مرزهای ۵۰ درصد و چاقو را بر قلب خود زد به طوری که تورم کمر مردم را شکست، امروز ایران پای ماند و ترامپ از ساختار تصمیم‌گیری آمریکا حذف شده است. با این وجود بی‌مهری در ارتباط با دولتی که تقویت کشور را به از بین رفتن محبوبیت رئیس دولتش ترجیح داد، چنان زیاد است که تمام ناکامی‌ها حتی ناکامی‌های یک سال اخیر به دولت قبل و به عبارت بهتر به جهانگیری و روحانی منتسب می‌شود. «آرمان ملی» با بهانه انتشار کتاب «بدون دود و آتش و خون» با محمود صادقی فعال سیاسی اصلاح‌طلب به گفت‌وگو پرداخته است. صادقی معتقد است کتاب بدون دود آتش و خون روایت روزهای دولتی است که همه چیزش را داد تا تروریسم اقتصادی ایالات متحده نتواند در برابر تهران به پیروزی دست یابد. در این گفت‌وگو آمده است:

کتاب بدون دود و آتش و خون در شرایطی منتشر شد که دیگر حسن روحانی رئیس‌جمهور نیست و این کتاب از سوی نزدیکان وی منتشر شده است. این کتاب واکنش‌هایی را به‌همراه داشت. انتشار این کتاب را در پاسخ به سؤالاتی که در مورد عملکرد روحانی وجود دارد، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کلیت کتاب در ارتباط با جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران در دولت دوم آقای روحانی است. اقدامی که ترامپ آن را فشار حداکثری بر ایران نامید. به عبارت بهتر این کتاب نگارشی در ارتباط با تجربه‌های دولت آقای روحانی در ارتباط با تحریم‌هاست. دولت دوازدهم در زمانی که در قدرت قرار داشت، با دو محدودیت در بیان حقایق روبه‌رو بود؛ یکی اینکه دولت دوازدهم نمی‌خواست در برابر آمریکا مطلبی را مطرح کند تا تأثیر تحریم‌ها مشخص شود و آمریکایی‌ها از آن سوءاستفاده کنند. از بعد دیگر هم اینکه دولت وقت تحت فشار داخلی قرار داشت و اگر در آن شرایط برخی نکات بیان می‌شد، هجمه رسانه‌ای رقبا علیه دولت افزایش می‌یافت. از این رو دولت آقای روحانی مصالح ملی را در نظر گرفت، در بسیاری از موارد سکوت می‌کرد و در مواردی هم که تصمیماتی در سطح حاکمیت گرفته می‌شد، آن تصمیمات را متوجه دولت می‌کردند و دولت هم در آن شرایط نمی‌توانست حقایق را بگوید. یکی از این موارد تصمیم در افزایش قیمت بنزین بود که فقط توسط دولت اتخاذ نشد اما در تبلیغات رسانه‌ای جناح مخالف دولت وقت، هزینه آن تصمیمات را متوجه دولت دوازدهم و شخص رئیس‌جمهور کردند. به خصوص بعد از برخی حواشی که نمایندگان مجلس رسما گفتند دولت روحانی بیش از یک سال دولم نخواهد آورد.

پس شما معتقدید هر چند تصمیم به گرانی بنزین فقط از طرف دولت نبوده اما برخی تلاش داشتند تنها دولت را عامل گرانی بنزین اعلام کنند؟

بله. جناح رقیب آقای روحانی یک جنگ رسانه‌ای علیه دولت راه انداخته بود. به‌خصوص بعد از آن تحریم‌ها از برجام که نمایندگان مجلس رسما اعلام کردند دولت یک سال بیشتر دوام نخواهد آورد. در آن زمان جنگ روانی گسترده‌ای را علیه دولت وقت آغاز کردند اما رئیس‌جمهور و وزرا مجبور بودند در بسیاری از موارد به دلیل اینکه موضوعات محرمانه بود و نمی‌خواستند آرامش جامعه هم به‌هم بخورد سکوت کنند. یکی دیگر از این موارد بحث‌های مربوط به اف ای تی اف بود که بحث‌های مربوط با تحریم‌ها بیان نمی‌شد و در نهایت در جلسات غیر علنی رئیس کل بانک مرکزی برخی نکات را به نمایندگان مجلس اعلام می‌کرد. تحرکاتی از سوی کاسبان تحریم برای جلوگیری از به نتیجه رسیدن برجام وجود داشت که بسیاری از آن تحرکات در آن زمان قابل بیان نبود. چون مجموعه دولت در آن زمان از راه‌های مختلفی برای دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌کرد که جنبه محرمانه داشت و نباید عملا به مخالفان برجام و کاسبان تحریم پاسخ می‌داد. تمام این محدودیت‌ها مانع بیان حقایقی از سوی دولتمردان می‌شد. در نتیجه این موارد بود که مشاهده کردیم دولت روحانی در افکار عمومی جایگاه قبلی را نداشت و شخص رئیس‌جمهور هم در بعد از تحریم‌ها محبوبیت سابق را از دست داد. اما در حال حاضر با توجه به گذشت زمان تیم آقای روحانی تصمیم گرفته است که در ارتباط با بخشی از این موارد اطلاعاتی را منتشر کند.

این گونه اطلاع‌رسانی از شرایطی که دولت دوازدهم با آن روبه‌رو بوده آن هم بعد از گذشت حدود یک سال از اتمام کار آن دولت، طبیعی است؟

اطلاعاتی که در آن بازه زمانی به هر علت منتشر نشده، در زمان مناسب، بخشی برای تنویر افکار عمومی منتشر شده است. در بسیاری از کشورها نیز همین گونه است. عموما محدودیت‌ها فرصتی برای بیان حقایق ایجاد می‌کند ضمن اینکه تجربیات زیادی نیز در آن زمان به دست آمده که می‌تواند برای دولت فعلی مفید باشد. از این منظر حق همه دولت‌هاست که در ارتباط با سؤالاتی که افکار عمومی از آنها دارند و نتوانسته‌اند در آن زمان پاسخ از آن را بدهند، بعدها پاسخ دهند مگر اینکه آن مطالب طبقه‌بندی شده باشد و نشر آنها از نظر قانونی ممنوع باشد.

اگر ناگفته‌ها محرمانه نبود، روحانی و جهانگیری می‌توانستند در همان زمان اطلاعاتی را در ارتباط با آن مطرح کنند؟ و آیا اطلاع‌رسانی در ارتباط با عواملی که موجب تضعیف دولت روحانی شد در حال حاضر نوشدارو بعد از کشتن سهراب نیست؟

در هر صورت اکنون تیم دولت دوازدهم تصمیم گرفته که در ارتباط با مشکلات سخن بگوید. البته آقای روحانی و جهانگیری می‌توانستند با در نظر گرفتن محدودیت‌ها بخشی از سؤالات جامعه در آن زمان را پاسخ گویند یا این وجود محدودیت‌های رئیس‌جمهور و معاون اول در دولت قبل را باید درک کرد. روحانی کسی نبود که به‌خاطر یک دستمال قیصریه را به آتش بکشد. ضرب المثلی وجود دارد که بر مبنای آن مادر و دایه مشخص می‌شوند. وقتی که مادر و دایه در آن داستان دعوایشان می‌شود مادر اصلی به نفع دایه کوتاه می‌آید. تعهدی که دولت قبل به انقلاب و نظام داشت موجب شد که از خیر مسائل سیاسی بگذرد و مطالبی که خواست جامعه بود را بیان نمی‌کردند تا به اصل انقلاب و نظام ثلمه‌ای وارد نگردد.

با در نظر گرفتن پیشینه آقای روحانی این استدلال را اعلام می‌کنید یا اینکه فکر می‌کنید هر دولتی در آن زمان در قدرت قرار گرفته بود همان رویه روحانی را در تنویر افکار عمومی در نظر می‌گرفت؟

البته که سابقه آقای حسن روحانی در این تصمیم‌گیری مؤثر بوده است اما نمی‌توان اعتقاد روحانی به اصل نظام را هم به هیچ وجه زیر سؤال برد اما روحانی می‌توانست برخی از مطالب را بیان کند. برخی از مطالب اگر در بازه زمانی که باید مطرح شود مطرح نشود، قابلیت انگذاری ندارد اما از نظر تاریخی قطعا تأثیر دارد. در فقه و اصول هم علما مسأله‌ای را دارند که تحت عنوان تأخیر بیان از وقت اجرا یاد می‌کنند. یعنی آن زمانی که نیاز به بیان است باید گفت. در معنای دیگر در زمانی که وقت بیان لازم است باید اعلام شود در غیر این صورت بیان؛ عقلا امری ناپسند است. از این جهت اگر نکته‌ای در ارتباط با تکالیف مردم است باید در زمان خود بیان می‌شد. در خصوص دولت قبل نیز همین طور است آقای روحانی باید در زمانی که نیاز بود مطالب را بیان می‌کرد.

پس روحانی با رسانه‌ای کردن این موارد آن هم در زمانی غیر از موقعیتی که باید اعلام می‌کرد به دنبال نفعی برای جایگاه خود در جامعه نیست؟

در هر صورت اعلام این موارد در حال حاضر فایده‌ای ندارد و اگر در زمانی که فشارها بر روحانی بود، سخن می‌گفت و حتی بخشی از این موارد را بیان می‌کرد، برای دولتش سود داشت. البته در آن زمان روحانی و جهانگیری را متهم می‌کردند که تنها در اندیشه حفظ دولت هستند.

اتفاقا این تحلیل هم می‌تواند واقعی باشد. بسیاری در آن زمان هم به روحانی و هم به اصلاح‌طلبان برچسب استمرار طلب به جای اصلاح‌طلب می‌زدند.

به نظر من در آن بازه زمانی با توجه به شرایط موجود دولت و اصلاح‌طلبان از این واژه در مورد روحانی و جریانی از اصلاح‌طلب که در درون قدرت حضور داشتند، تحت همین واژه استمرارطلب و قدرت طلب یاد می‌کردند. جریانی که به هر اقدامی دست می‌زدند که مغضوب قرار گیرند. حتی برخی در آن زمان می‌گفتند روحانی و جهانگیری سکوت کرده‌اند تا صلاحیت آنها مورد شبهه قرار نگیرد. این مورد هم دور از واقعیت نیست. بسیاری از نمایندگان فعلی هم با لحاظ شرایط، سخنی نمی‌گویند.

در طول یک سالی که از عمر دولت گذشته، بسیاری از ناکامی‌ها را به مجلس یا دول قبل مربوط می‌دانند. این نوع رویکرد تا چه میزان از سوی بدنه دولت مورد پذیرش است؟

این مورد خصیصه همه دولت‌هاست. متأسفانه متداول است که همه دولت‌ها بخشی از ناکامی‌های خود را به دولت قبل متصل می‌کنند. این مورد البته دیگر در افکار عمومی جایگاهی ندارد. آقای رئیسی از یک طرف دولت خود را دولت قوی می‌داند که به جنگ مشکلات کشور آمده اما اعلام این مواضع که فلان ناکامی دولت به علت کوتاهی دولت قبل است؛ موجب می‌شود مردم عملا دولت را ناکارآمد بدانند. آقای رئیسی آقای روحانی را در مناظره‌های سال ۱۳۹۶ محکوم کرد که چه زمانی ناکامی‌های خود را به قبل متصل نخواهید کرد؟ اما در حال حاضر می‌بینیم که دولت در پاسخ به خبرنگاران ناکامی‌ها را به دولت قبل متصل می‌کند. حتی برخی از ناکامی‌ها فراتر از دولت قبل به جنگ اوکراین حواله می‌شود. البته اینکه مسأله جنگ اوکراین بر نرخ مواد غذایی تأثیر منفی گذاشته بر کسی پوشیده نیست در جهان همه چیز به هم پیوسته است.

دولت تصمیم گرفته قیمت‌ها را واقعی کند تا پدیده فساد و دلالی را حذف کند. این اقدام دولت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دولت در زمینه واقعی کردن قیمت‌ها اقداماتی را انجام می‌دهد و اعلام کرده با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی از توزیع رانت جلوگیری کرده است اما از سوی دیگر به نظر می‌رسد کفگیر دولت به ته دیگ خورده است. دولت اعلام کرد که تنها چهار کالا با افزایش قیمت روبه‌رو خواهد شد و هزینه آن افزایش را هم به مردم داد و یارانه‌ها را چند چمالی در دست دولت تبدیل شده تا دولت روحانی را منکوب کنند. دولت روحانی با آن تصمیم مهم تنها ۵۰ درصد تورم ایجاد کرد اما دولت فعلی با یک تصمیم اقتصادی عملا تورم فعلی را به وجود آورده است.

نگاه

رئیسی تسلیم تندروها شد؟

طرح صیانت چراغ خاموش در حال اجرا شدن

هرچند از نمایندگان مجلس تا وزرای دولت همگی با دور زدن فیلترینگ توئیتر در این اپلیکیشن عضویت دارند و خبرهای مهم، افشاگری و استعفاهای خود را از این طریق به مردم اطلاع‌رسانی می‌کنند، اما یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها درباره طرح صیانت همین مساله فیلترینگ فضای مجازی است. قرن نو نوشت: ماه‌ها از تلاش تندروها برای تصویب طرح صیانت از فضای مجازی می‌گذرد؛ طرحی که بارها با مخالفت مردم و برخی طیف‌های سیاسی